

بقلم آقای دکتر مهدی بهرامی
(دکتر در باستانشناسی از دانشگاه پاریس و دیپلمه موزه لوور)

رضاء عباسی

نقاش هنر و ف

در زمان شاه عباس بزرگ (۹۸۵-۱۰۳۸ هجری) که مراودات سیاسی و بازرگانی ایران با اروپا و هندوستان زیاد شده بود، راههای صنعتی نیز بسوی اصفهان گشوده گردید و نمونه‌های نقاشی و آثار ذوق ایتالیائی در بازار پایتخت کشور رواج یافته بود. شاه میهن دوست ایران نیز شخصاً بنقاشی تلاقه مند بود و گاهگاهی برای رفع خستگی از کار مملکت داری بطرح و رنگ آمیزی تصاویر کوچک رغبت مینمود (۱) ولی بیشتر بهمچشمی و رقابت با هنر پروری دربار جهانگیر پادشاه هندوستان به تشویق و ییشرت صنایع نقاشی و تذهیب و خوش نویسی توجه داشته است.

سرآمد هنرمندان اصفهان در آنوقت آقارضا بوده که لقب عباسی را از نام شاه عباس بزرگ گرفته است.

این استاد به تنهایی معرف ذوق و سلیقه زمان خود بوده و از کثرت آمیزش بانوده و طبقات مختلف مردم اصفهان نکات ضعف اخلاق و خوش گذرانی و تن پروری مخصوص زمان شاه عباس را بخوبی استنباط کرده و درصدد بیان آن برآمده است.

در شرح حال زندگی او اسکندر بیک مؤلف کتاب عالم آراء عباسی که خود از معاصرین او بوده چنین مینویسد:

« آقارضا در فن تصویر و بکه صورت و چهره کشائی ترقی عظیم کرده و اعجوبه زمان گشت و در این عصر و زمان مسلم الثبوت است. در جهالت نفس با آن نزاکت قلم همیشه زور آزمائی و ورزش کشتی گیری کرده و از آن شیوه محظوظ بودی و از صحبت ارباب استعداد کناره بسته با آن طبقه الفت داشتی و درین عصر فی الجمله

(۱) یکی از کارهای شاه عباس بزرگ همان تصویر مرغی است که در موزه سلطنتی گلستان مشاهده میشود.

از آن هرزه درائی بازآمده اما متوجه کار کمتر میشود. او نیز بطریق صادق بیک بد مزاج و تشکک حوصله و سرد اختلاط است. الحق استغنائی در طبیعتش هست. در خدمت حضرت اعلی شاهی ظل الهی مورد عواطف گردید و رعایتهای کلی یافت اما از اطوار ناهنجار صاحب اعتبار نشد و همیشه مفلس و پریشان حال است و این بیت مناسب حال او اقتاد:

طالب من همه شاهان جهانند و مرا در صفاهان جگر از بهر معیشب خون شد (۲)
 بنابراین آقا رضا در عصر خویش باستادی مسلم بوده و خاصه در «بکه صورت سازی» (پرتره) شهرت داشته است.

طرز معاشرت و تفریح جسمانی استاد البته در سبک خیال و اندیشه او تأثیر کافی داشته و تمایل او را نسبت بزندگی در محیط ورزش و زورخانه باید بهترین معرف اندیشه های صنعتی او دانست.

استغناء طبیعتش هرگز بخودخواهی منتهی نشد و توجه کامل او را نسبت باحوال زبردستان میتوان از موضوعات تصاویری که از خود بیاد کار گذارده بر آورد نمود اینها بیشتر از روی طبیعت ساخته شده و چنانکه از نوشته پاره از آنها برمیآید به تندی ترسیم گردیده و بر خاطرانی گواهی میدهند که توجه سازنده را بخود معطوف داشته است، ازین لحاظ تصاویر زیر قابل ملاحظه میباشند: مرد زواری در مشهد در جال سرخواراندن (بامضاء راقمه رضا ۱۰۰۷) (۳).

حکیم شفاهی (بتاریخ شوال ۱۰۲۷) (۴).

(۲) تاریخ عالم آراء عباسی چاپ طهران م ۱۲۹ - ۱۲۸ و همچنین نسخه خطی متعلق بکتابخانه اردبیل در موزه طهران.

شمز مذکور در پایان گفته اسکندر منشی از قطعه مشهور میرعلی هروی اقتباس شده که در بخارا سروده و مین آن در ورق ۷۶ از مرقع گلشن در کتابخانه سلطنتی بخط خود استاد محفوظ میباشد. عمرتی از مشق دوتا بود قدم همچون چنگ تا که خط من درویش بدین قانون شد طالب من همه شاهان جهانند و مرا چون گدایان جگر از بهر معیشب خون شد فی سنه ۹۴۴ بیلده بخارا

(۳) رجوع شود بکتاب نفیس زاره و میتوخ.

Sarre F. - Mittwoch, E.

Zeichnungen von Riza Abhasi; München 1914, pl. I

(۴) ایضاً من ۱۰



پژوهشگاه ملی علوم و فناوری اطلاعات ترکی
رتال جامع علوم انسانی

مارگیر (شوال ۱۰۴۱) (۵).

استاد محمد علی مذهب شیرازی (که از هند آمده بود) (۶) با بینی زین دار و

بدن فربه

اما قوه تخیل استاد نیز همیشه در کار بوده است و چه بسا در ضمن تماشای طبیعت رنگهای دلفریب و خطوط موزون موجودات نظر او را جلب کرده و در عالم خیال الحان زیبایی از ترکیب آنها بوجود آمده است که برخی از خاطرات آنها را میتوان در مجالس معاشره دوجوان (۷) مشاهده کرد.

پدرش نیز بنا بگفته اسکندر منشی مولانا علی اصغر کاشی نقاش بوده و در زمان ابراهیم میرزا و اسمعیل میرزای صفوی میزیسته اما تا کنون امضاء او در پای هیچ تصویری دیده نشده است.

مدت کار آقا رضا را از روی قطعات تاریخ دار او میتوان در بین ۱۰۰۷ و ۱۰۴۴ هجری تعیین کرد و یکی از کارهای زیبای او امروز در موزه تهران مشاهده میشود. شاید نخست در مشهد بسر میبرد و تا پیش از ۱۰۲۰ بدربار شاه عباس تقریبی حاصل نکرده است و در آغاز امر فقط بنام رضا اکتفا می نموده.

رو بهمرفته شیوه کارش بیشتر بپرداز و باطرز نقاشی استاد محمدی قابل مقایسه میباشد، ولی آقا رضا را نمیتوان شاگرد او دانست بلکه باید او را در شمار هنرمندان عالی رتبه نام برد که از دروس استاد تنها اصولی را در نظر داشته و در برابر هر شکفتی طبیعت قلم در دست گرفته و بقوه ابتکار خویش اتکال مینموده است.

دو نمونه از تصویر او یکی در مجموعه پاریس واتسن (نیویورک) و دیگری متعلق به کواربیج (لندن) بقلم معین مصور میباشد که در نهایت دقت ترسیم شده و حالت طبیعی و چشمان پر نور او را در هنگام نقاشی نشان میدهد.

در یکی ازین تصاویر سن استاد بالغ بر شصت و پنج مینماید و در دیگری کمی جوان تر است و از حیث شباهت نیز با هم متفاوت بوده و شاید عاری از حقیقت باشد

Kuhnel E Miniaturmalerei im Islamischen Orient , pl 85 (۵)

Coomarasawey lès miniatures Orientales de la Collection goloubow (۶)

Ars Asiatica vol XIII fig. 82

(۷) رجوع شود بکتاب کونل تصویر ۸۰

اینک نوشته حاشیه آنها :

۱ - شبیه غفران و رضوان آرامگاهی مرحومی مففوری استادم رضاء مصور عباسی مشهور به رضاء عباسی اشعر بتاريخ شهر شوال با اقبال سنه ۱۰۴۴ آبرنگک گردیده بود که در شهر ذی القعدة الحرام سال مذکور از دار فنا بعالم بقا رحلت نمود و این شبیه بعد از ۴۰ سال در چهاردهم شهر رمضان المبارک سنه ۱۰۸۴ حسب الفرموده فرزندی محمد نصیرا باتمام رسانید معین منصور غفر الله ذنوبه (۸)

۲ - شبیه مرحمت و مغفرت پناهی مرحومی جنت مکانی استادم رضاء مصور عباسی علیه الرحمه والغفران بتاريخ سنه ۱۰۴۰ تقال شده بود و بتاريخ پنجم شهر صفر ۰۰ سنه ۱۰۸۷ ییادگار جهت مرقع باتمام رسید مبارک باد شقه معین مصور غفر الله ذنوبه .
بنابر این طرح این دو تصویر را معین مصور در زمان حیات آقا رضا تهیه کرده و بعدها باتمام رسانیده است ولی بفرزند اینک در زمان شاگردی معین مصور بیست ساله باشد درازی عمرش از حد نصاب معمول میگذرد و چنانکه میدانیم در موزه تهران یکی از کارهای او در سال ۱۰۹۷ ساخته شده و تا ۱۱۱۰ هم کار او دیده شده است پس یا باید عمر خارق العادگی برای معین مصور تصور نمود یا نوشته حاشیه تصاویر او را خالی از حقیقت دانست .
(۸) پرفسور میتوخ این تصویر را در شماره ۲ ج ۲ یائیز ۱۹۴۲ روزگار نو انتشار داده و نوشته آنرا نیز بطور اختصار خوانده است .



مولوتف - کمیسر خارجه شوروی



ایدن - وزیر خارجه انگلیس